

مطالعات زبان‌شناسی در شناخت سیر مهاجرت‌های قومی و نژادی و جابه‌جایی جمعیت‌ها و گروه‌های اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است. دستاوردهای این دانش جدید می‌تواند به خوبی مورد استفاده مورخین و محققین مسائل اجتماعی قرار گیرد و با گسترش این نوع مطالعات به یافته‌های تاریخی عمیق بیشتری بخشد. توسعه آموزش عمومی و رسانه‌های گروهی و فراگیر شدن زبان رسمی در یک‌صد سال اخیر در ایران موجبات ضعف شدید لهجه‌های محلی را فراهم آورده و بسیاری از این «گویش‌ها» در آستانه نابودی کامل قرار گرفته‌اند. این امر ضرورت ثبت و تنظیم علمی لهجه‌های محلی را بیش از پیش به وجود آورده است و توجه بیشتر به مطالعات زبان‌شناسی را لازم کرده است. این گویش‌ها گنجینه‌هایی از لغات و واژه‌های مختلف‌اند و یکی از منابع اصلی و مهم در مطالعات تاریخی محسوب می‌شوند. بدیهی است عدم توجه کافی به آن، به معنای از دست دادن بخش مهمی از منابع اصلی تحقیق تاریخ و جامعه‌شناسی است.

«لارستان» در محدوده قدیمی‌اش که شهرهای کنونی بندرلنگه، لامرد و لار و بخشی از استان هرمزگان را شامل می‌شود دارای لهجه‌ها و گویش‌های محلی بسیار ارزشمندی است که از دیرباز مورد توجه محققین خارجی و داخلی قرار داشته و از عمر اولین پژوهش مستقل درباره آن حدود نود سال می‌گذرد. این تحقیق در سال ۱۹۰۹ میلادی توسط «اسکار مان» (Oskar Mann) آلمانی به رشته تحریر درآمده است.^۱ نویسنده در این مقاله به بررسی اصطلاحات کوتاه و اشکال مختلف فعل در گویش «لاری» پرداخته است.

«اسکار مان» آغازگر تحقیقات مستقل درباره گویش‌های لارستانی شد و کار او به طور پیگیر توسط محققان خارجی و ایرانی تا زمان حال تداوم یافته است که جدیدترین و مفصل‌ترین پژوهش توسط لطفعلی خنجی در سال ۱۳۷۸ خورشیدی منتشر شده است که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود.

اما پیش از آن جهت استفاده علاقه‌مندان، سیر تاریخی منابع و مراجع مطالعاتی گویش‌های لارستانی به اختصار معرفی می‌گردد و در پایان به بررسی کتاب

دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی پرداخته می‌شود. ترتیب رعایت شده در این بخش براساس اولویت زمانی انتشار کتب و مقالات است.

در سال ۱۹۱۴ میلادی «راماسکویچ» (Romas Kevic) روسی طی مسافرتی به منطقه لارستان در صدد تحقیق در لهجه‌های محلی آن برآمد. ناامنی‌ها و آشوب‌های محلی مانع رسیدن او به شهر لار شد، اما در روستاهای مسیر با گویشوران بسیاری ملاقات نمود و پس از چندماه موفق به گردآوری لغات فراوانی گردید. اثر تحقیقی او در سال ۱۹۴۵ میلادی به چاپ رسید.^۲ مقاله دستوری (از صفحه ۳۶ تا ۶۱) و فهرست کوتاهی از لغات لاری (از صفحه ۸۳ تا ۸۶) و متون لاری (از صفحه ۶۱ تا ۸۲) و ۵۵ دوبیتی و یک قصیده محلی از جمله مطالب و موضوعات این اثر است. دوبیتی‌های ضبط شده توسط او از ارزش بسیاری بهره‌مند است. نگارنده بخشی از این اشعار را همراه با برگردان فارسی و توضیحات آن طی یک مقاله در مجله شعر به چاپ رسانیده است.^۳

در سال ۱۳۳۴ خورشیدی احمد اقتداری با انتشار کتاب فرهنگ لارستانی اولین تحقیق داخلی در زمینه گویش‌های لارستانی را به انجام رسانید. این اثر شامل یک مقدمه از استاد پورداود و همچنین حدود پنج‌هزار واژه محلی و نکته‌های دستوری است. اقتداری گویش‌های «لارستانی» را به شش لهجه لاری (Lari)، اوزی (Evazi)، بیخه‌ای (Bixai)، گراشی (Gerashi)، خنجی (Khonji) و بستکی (Bastaki) تقسیم نموده است.^۴

این اثر حاوی اصیل‌ترین واژه‌های محلی است و از ارزش بسیاری بهره‌مند است. احمد اقتداری با انتشار مقالات «لهجه فیشوری»^۵ در سال ۱۳۴۲ خورشیدی و «ترانه اسمش نادم»^۶ در لهجه «بستکی» تحقیقات خود را ادامه داده است.

دکتر «کوجی کامیوکا» (Koji Kamioka) و «مینورو یامادا» (Minoru Yamada) از محققان دانشگاه مطالعات آسیا و آفریقای ژاپن در سال ۱۹۷۹ میلادی اولین اثر خود را از مجموعه‌ای با عنوان مطالعات لارستانی (Larestani Studies) به نام «لغات اساسی لاری» منتشر ساختند.^۷ این کتاب شامل یک مقدمه به زبان انگلیسی و بیش از دو هزار واژه محلی است. مهم‌ترین ویژگی این اثر تقسیم‌بندی الفبایی واژه‌ها به زبان فارسی و انگلیسی است که مراجعه به آن را به آسانی میسر می‌سازد.

«مالچانوا» (Molchanova) محقق روسی در سال ۱۹۸۲ میلادی با انتشار مقاله‌ای مفصل با عنوان «زبان لارستانی»^۸ تحقیقی بسیار ارزنده را ارائه نمود. او که در این پژوهش از منابع پیشین استفاده کامل برده است کتاب خود را با مقدمه‌ای کوتاه آغاز نموده و مختصات زبان‌شناسی این گویش را در بخش‌های سیستم واژه‌ای و همخوانی، پدیده‌های آواشناسی، صرف ریشه اسامی، کلمه‌سازی، صفت، ضمائر و افعال بررسی کرده است. با اینکه این محقق به گویشوران محلی دسترسی نداشته اما دقت او در ضبط واژه‌ها و شناخت ویژگی‌های زبان‌شناسی آن ستودنی است. تحلیل‌های مقایسه‌ای او با لهجه‌های دیگر و شناساندن تشابهات و تفاوت‌های آن با گویش لاری از بخش‌های قابل استفاده آن به شمار می‌رود.

در سال ۱۳۵۹ خورشیدی حاج علی اکبر بستکی از محققان محلی جنوب، اثری با عنوان فرهنگ بستکی^۹ ارائه نمود که اولین تحقیق مستقل درباره لهجه «بستکی»^{۱۰} است. این کتاب شامل بیش از پنج هزار واژه به لهجه «بستکی» است که نویسنده با دقت خاصی گردآوری نموده است.

فرهنگ فرامرزان اثر حسن فرامرزی از نویسندگان و محققان نام‌آشنای جنوب، تألیف ارزشمند دیگری در شناخت لهجه‌های لارستانی است که در سال ۱۳۶۳ خورشیدی منتشر شده است.^{۱۱} نویسنده بیش از سه هزار واژه اصیل «فرامرزانی» (Faramarzani) را به ترتیب حروف الفبا با برگردان فارسی آن ضبط کرده است که برای مراجعه محققان زبان‌شناس بسیار مفید است.

ادیات محلی جهانگیری^{۱۲} به کوشش حاج علی اکبر بستکی در سال ۱۳۶۲ خورشیدی به چاپ رسید.^{۱۳} این اثر مشتمل بر اشعار محلی سرایندگان بومی است که بعضی از واژه‌های آن به فارسی برگردانده شده است. اشعار آن «آوانویسی» نشده و از همین رو مراجعه به آن برای محققان دشوار است، اما انتشار چنین مجموعه‌ای که حاوی بسیاری از لغات و اصطلاحات محلی است، گامی مؤثر در شناساندن ویژگی‌های زبانی جنوب ایران محسوب می‌شود.

مطالعات تطبیقی لهجه‌های لارستانی با انتشار دومین اثر دانشگاه مطالعات آسیا و آفریقای «توکيو» در سال ۱۹۸۶ میلادی با نام واژه‌های تطبیقی لاری و خنجی اثر «کوجی کامیوکا» آغاز شد.^{۱۴} در این کتاب هزار لغت به گویش لاری و خنجی مقایسه شده است و

در پایان آن فهرست کاملی به زبان لاری، فارسی و انگلیسی از این لغات ضبط شده که برای مراجعه محققان بسیار سودمند است. مقدمه تحقیقی این اثر مشتمل بر ویژگی‌های زبان‌شناسی لاری و خنجی است که به زبان انگلیسی آمده است.

محققان زبان‌شناسی ایران از سال ۱۳۶۴ خورشیدی مقالاتی تحلیلی درباره گویش لارستانی به انجام رسانیده‌اند که اولین آن مقاله‌ای با عنوان «لغات لاری و گرمسیری از قرن نهم» نوشته علی اشرف صادقی است که به اجمال درباره بعضی از واژه‌های گویش لاری در متون تاریخی توضیح داده است.^{۱۵} ایران‌کلباسی زبان‌شناس معاصر با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «دستگاه فعل در گویش لاری» در سال ۱۳۶۷ خورشیدی یکی از نمونه‌های تحقیقی جدید را ارائه نموده است.^{۱۶} مقاله او به طور کامل به ویژگی‌های صرف فعل در گویش لاری می‌پردازد. این محقق در سال ۱۳۶۹ خورشیدی در مقاله‌ای تحت عنوان «ساخت واژه در گویش لاری» یافته‌های خود را ارائه نموده است.^{۱۷}

نگارنده در سال ۱۳۶۹ خورشیدی با بررسی کلیه مطالعات پیشین درباره گویش لاری و با استفاده از گویشوران محلی، حاصل تلاش‌های خود را در کتابی تحت عنوان لار شهری به رنگ خاک منتشر نمود. فصل اول این کتاب به طور کامل به «صرف فعل در گویش لاری» اختصاص دارد و برای اولین بار همانندی‌های گویش محلی شیرازی و لاری براساس متون ادبی و تاریخی مورد بررسی قرار داده شد. بخش پایانی کتاب مشتمل بر تعداد بسیاری «امثال و حکم» لاری است که با آوانگاری و برگردان به فارسی ضبط شده است.^{۱۸} دو پایان‌نامه دانشگاهی توسط رحمت‌الله

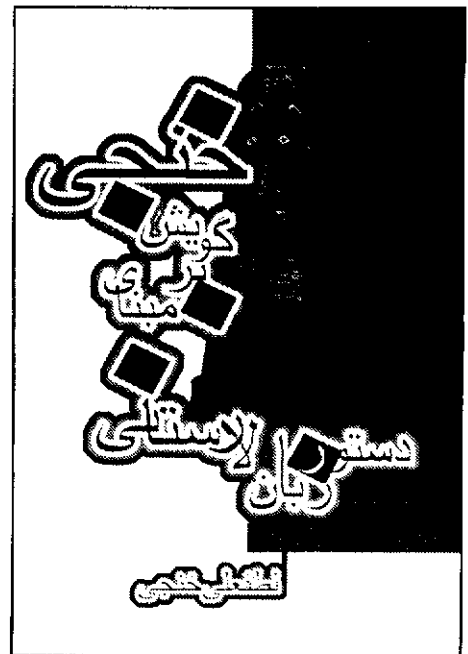
سمیعی^{۱۹} و محمد کامیاب^{۲۰} در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ خورشیدی در موضوع «گویش لاری» و واژه‌نامه تطبیقی (لاری - پهلوی) موجود است که تاکنون به چاپ نرسیده است.

انتشار مجموعه اشعار «گراشی» (Gerashi) سروده صادق رحمانی در سال ۱۳۷۳ خورشیدی را که حاوی اشعاری نغز و روان به لهجه شیرین «گراشی» است و با مهارت و تسلط خاصی سروده شده است، باید نقطه عطفی در انتشار سروده‌های محلی دانست. آثار و یادگیر عنوان مجموعه اشعار اوست که بیشترین سروده‌های آن دوییتی است که آوانگاری و ترجمه واژه‌ها به فارسی نیز در آن مدنظر قرار گرفته است. تبحر شاعر در انتخاب واژه‌ها و اصطلاحات و تعابیر محلی ستودنی است. علاوه بر آن او با استفاده از مضامین نوین و تعابیری جدید به خلق یک اثر به یادماندنی مبادرت ورزیده است.

فرهنگ دری تألیف عباس انجم‌روز که او را به حق باید از پیشگامان پژوهش‌های محلی دانست در سال ۱۳۷۵ خورشیدی منتشر شد. این کتاب دفتر اول کاری بزرگ و ستودنی است که شامل لغات و واژه‌ها و اعلام جغرافیایی جنوب ایران از حروف «آ» تا «ج» است و بسیاری از لغات گویش‌های لارستانی را شامل می‌شود. امید که نویسنده این کار بزرگ و به یادماندنی را هرچه سریع‌تر به اتمام رساند. مهم‌ترین ویژگی این اثر تسلط و تبحر نویسنده بر اصطلاحات و عبارات و اعلام محلی است.

اینها تقریباً تمامی آثار منتشر شده درباره «گویش‌های لارستانی» است که به اجمال معرفی شدند. با این همه هنوز این گویش اصیل به طور شایسته مورد تفحص قرار نگرفته و لازم است که با دیدی فراگیرتر و در عین حال با تکیه بر منابع محلی و مطالعات موجود، نسبت به تدوین کتاب جامع راهنمای گویش‌های لارستانی اقدام شود؛ کتابی که در برگیرنده تمامی ویژگی‌ها و خصوصیات ساختاری و دستوری آن باشد. خوشبختانه اولین اثر که می‌توان آن را آغاز تحقیقات فراگیر درباره تدوین جامع گویش‌های لارستانی دانست توسط لطفعلی خنجی به انجام رسیده است که می‌تواند راهنما و الگوی مناسبی برای پژوهشگران بعدی باشد.

عنوان اثر دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی^{۲۱} است و در سیصد صفحه توسط انتشارات دانشنامه فارس در سال ۱۳۷۸ خورشیدی با تیراژ سه



هزار نسخه به چاپ رسیده است. کتاب دارای یک پیش‌گفتار (صفحه ۱۳ تا ۱۷) و پنج بخش است. بخش اول، گویش‌ها و آواها (صفحه ۱۷ تا ۲۳)؛ بخش دوم مبحث اسم، صفت، ضمیر، قید (صفحه ۲۳ تا ۶۱)؛ بخش سوم، مبحث حروف اضافه حروف ربط، اصوات (صفحه ۶۱ تا ۹۷)؛ بخش چهارم مبحث فعل (صفحه ۹۷ تا ۲۴۷)؛ بخش پنجم ترکیب واژه‌ها، ساختار عبارت و جمله (صفحه ۲۴۷ تا ۳۰۰) را شامل می‌شود.

نویسنده در بخشی از پیش‌گفتار کتاب آورده است: «گوشه‌ها و جنبه‌هایی از دستور زبان لارستانی در گذشته تحت بررسی و تدوین قرار گرفته است، اما تا آنجا که نگارنده از ایران به دور مانده اطلاع دارد، ساختار کلی و جامع دستوری این زبان تاکنون موضوع کتاب نبوده است... اما هدف از نگارش این کتاب آن نبوده که تنها برای گروه معینی مفید واقع شود، از این رو در حد امکان از به کار بردن اصطلاحات ویژه زبان‌شناسان و بعضی از نوآوری‌هایی که می‌تواند نامأنوس باشد اجتناب شده است.»^{۲۲}

در بخش اول، نویسنده ضمن برشمردن لهجه‌های لارستانی شامل لاری، اوزی، بستکی، فرامرزی، گراشی، گرمسبجی و خنجی توضیح داده است که فقط یک گویش یعنی گویش خنجی را که خود بیشتر با آن آشنایی دارد، مبنای کار قرار داده است. لازم به ذکر است که قدیم‌ترین تقسیم‌بندی لهجه‌های لارستانی توسط استاد احمد افتداری صورت پذیرفته که پیش از این مذکور گردید. خنجی در این تألیف دو لهجه فرامرزانی (که در حرورفچینی فرامرزی ثبت شده است) و گرمسبجی (Karimostaji) را به آن افزوده است.

علائم آوانگاری در سه بخش مصوت‌های بسیط و مرکب و غیرمصوت‌ها مشخص شده است که تنها نارسایی آن در نظر گرفتن علامت (C) معادل (چ) در الفبای فارسی است که با توجه به انتخاب (S) معادل (ش) مناسب‌تر آن بود که براساس عرف معمول علامت (C) معادل (چ) به کار می‌رفت. در مبحث اسم، نویسنده به خوبی تفاوت (یاء نکره) و (یاء ضمیر موصولی) را مشخص کرده است که این بخش یکی از ظریف‌ترین ویژگی‌های گویش‌های لارستانی است.^{۲۳} در مبحث صفت اشاره نویسنده ضمن بیان کاربرد واژه‌ها در دو مورد آن را با زبان کردی و زبان فرانسه مقایسه نموده و تشابه آن را نشان داده است.^{۲۴} این مبحث اگرچه توسط محققان پیشین نیز مورد بررسی قرار گرفته اما

توضیحات خنجی فراگیر تر و گسترده تر است.

در بخش ضمائر، مفصل ترین توضیحات را در مورد ضمائر شخصی و رجعی و تأکید آورده و در هر مورد مثال ها و نمونه هایی عرضه شده است. بخش سوم، شامل بحث حروف اضافه، حروف ربط و اصوات است که با مثال ها و نمونه های مناسب توضیح داده شده است.

مفصل ترین بخش این کتاب فصل چهارم آن «مبحث فعل» است. نویسنده پیش از ورود به اصل مطلب آورده است: «در مبحث فعل است که ویژگی دستور زبان لارستانی و تفاوت های آن با دستورهای آشنا و از جمله دستور زبان فارسی آشکار می شود. این ویژگی در درجه نخست عبارت است از: وجود زمان حال استمراری بسیط (یعنی بدون فعل معین) و تفاوت چشمگیر میان صرف افعال لازم و متعدی.»

«خنجی» مصادر را در زبان لارستانی به دو دسته مختموم به (ta) و (da) تقسیم نموده است.^{۲۵} در یک مورد از مصدر (seneda) به معنی شنیدن یاد کرده است که این مصدر در «گویش خنجی» کاربردی ندارد و مصدر شنیدن در این لهجه به صورت های (sonofto) و (goškerdo)، (gošdado)، (goškarkerdo) استعمال می شود. باید افزود مصدرها در گویش خنجی به (to) و (do) ختم می شود و در تلفظ انتهای تفاوت محسوسی با گویش لاری دارد. دیدن (dedo)، گفتن (goto) خواندن (xodo)، خندیدن (xanedo)، زدن (zato) جهیدن (Jaxto)، گرفتن (geleto)، نشستن (šesso) فروختن (Ferato) و مثال های متعدد دیگری که در این مورد می توان نام برد و همچنین بعضی از مصادر در مواردی نیز به (esso) ختم می شود که در واقع دگرگون شده شکل (essto) معادل فارسی آن (ستن) (Stan) است. مانند دویدن (dovesso)، بستن (basso)، نشستن (šesso)، ساختن (Lasso)، خریدن (sesso).

تفاوت صرف افعال لازم و متعدی در بخش زمان های گذشته به طور کامل آمده است.^{۲۶} نویسنده برای نشان دادن تفاوت افعال لازم و متعدی از مثال

بسیار گویایی استفاده کرده که نشان از وسعت دید و دقت نظر ایشان است. در این مورد صرف فعل (čeda) به معنی چیدن و (čeda) به معنی رفتن مقایسه شده،^{۲۷} که البته صحیح تر آن به گویش خنجی (cedo) است.

دو استثناء در مورد صرف افعال لازم و متعدی وجود دارد که یکی در مورد مصدر (leda) به معنی «قضای حاجت کردن» و (Nareda) به معنی «پرحرفی کردن» است که هر دو فعل لازم هستند، اما صرف فعل آنها متعدی است. این مشکل تاکنون لاینحل باقی مانده بود، که خوشبختانه نویسنده با دقت نظر تحسین برانگیز توضیحی منطقی برای آن یافته است. ایشان در این مورد می نویسند: «احتمالاً این فعل ابتدا معنای متعدی داشته است، از قبیل چیزی را بیرون ریختن یا دفع کردن، شاید با فعل (leta) به معنی ریختن بی ارتباط نباشد و همچنین فعل (nareda) به معنی (پرحرفی کردن) هم احتمالاً آغازی متعدی داشته و معنای اولیه ای از قبیل چیزی را زیاد گفتن داشته است.»^{۲۸}

توضیح نویسنده در مورد «زمان حال ساده» و اشکال مختلف صرفی آن کامل و فراگیر است و این توضیحات در تحقیقات پیشین کمتر آمده است.^{۲۹} او در این باره می نویسند: «زمان حال ساده در عین حال حکم زمان آینده دارد. در زبان لارستانی آینده شکل مستقلی ندارد و بیانش با همان زمان حال ساده صورت می پذیرد.» مثال های متعددی از فعل رفتن، دیدن، شدن، گذاشتن، شستن، خریدن، فروختن و چند مثال از افعال مرکب نیز به دنبال آمده است. در زیر نویس همین بخش به یکی از موارد تبدیل اصوات در زبان های ایرانی اشاره شده و آن تبدیل اصوات «س» به «ه» در زمان حال فعل «نهادن» است که اشاره ای ظریف و بجا است.^{۳۰} در بررسی اشکال مختلف «نهی» در گویش خنجی آمده است: «برای نهی در دوم شخص مفرد و جمع وجه امری، پیشوند تکیه دار "ma" جانشین پیشوند "be" یا "bo" می کنیم و در سایر اشخاص پیشوند تکیه دار "ne" را قرار می دهیم.»^{۳۱} در این باره باید افزود که در

گویش خنجی کاربرد وسیع «یا» (ya) و «به» (ya) به عنوان علامت نفی و نهی دیده می شود. به عنوان مثال «یا خورم» (yaxorom) به معنی نمی خورم و «یتارم» (yatarom) به معنی نمی آورم و نمونه های دیگری که از کاربرد وسیع این علامت حکایت دارد و اساساً در گویش خنجی "ya" (به) و "ya" (یا) به طور گسترده به عنوان علامت نفی و نهی به کار می رود که احتمالاً دگرگون شده علامت نفی "a" (ا) در زبان پهلوی است. اگرچه بر اثر همجواری گویش های لارستانی و تأثیرپذیری آنان بر یکدیگر هم اکنون در «خنجی» هر دو مورد علامت "ya" (به) "ma" (مه) به عنوان نفی و نهی کاربرد دارد، هرچند مورد اول استفاده بیشتری دارد.

یکی از موارد بسیار جالب و مفید مبحث فعل بررسی «افعال ویژه یا استثنایی» است که نویسنده با دقت خاصی تغییرات گوناگون آنها را در زمان ها و اشکال گوناگون بررسی کرده است.^{۳۲} در هیچ یک از تحقیقات پیش در مورد این افعال توضیح کافی نیامده است. این افعال عبارت اند از خواستن (avesta)، توانستن (saboda) و «نشسته بودن» (šasta) و فعل بی مصدر «در دست داشتن» یا «با خود داشتن» و «آوردن» (avorda) و شکستن (eškassa) و برداشتن (vasesta) که در هر مورد توضیحات کافی و شایسته ای آمده است.^{۳۳}

در بخش پنجم کتاب به ترکیب واژه ها، ساختار عبارت و جمله پرداخته شده و در هر مورد نمونه ها و مثال های خوبی آمده است. در پایان این بخش نویسنده نمونه هایی از ترکیب مفصل تر کلام در زبان لارستانی را آورده که شامل ترجمه ای از متون ادبی فارسی به «گویش خنجی» است. او درباره انتخاب این متون می گوید: «از آنجا که این کتاب ناقابل اشاره بر زبان لارستانی عصر حاضر دارد و متن های آماده و مکتوب عصر حاضر اندک است یا لاقابل نگارنده به آنها دسترسی ندارد، نگارنده ترجیح داده است که به جای ساختن مثال هایی بدان گونه که در این کتاب آمده است

فرهنگ لارستانی

تألیف
احمد مقداری

استادپور داود



این کتاب به عهده مؤلف چاپ شده و برای دسترسی به متن اصلی، به فرهنگ ایران زمین ۹ مراجعه فرمایید. انتشار آن از مجرای نشر خنجی است.

فرهنگ استکی

تألیف و گردآوری:
مناج علی آبسبکتی

۱۳۵۹

گلچینی از چند متن فارسی را به «گوش خنجی» برگرداند.^{۲۴}

متون ترجمه شده به گویش خنجی شامل بخش‌هایی از کتاب سووشون اثر سیمین دانشور چشمان من، خسته اثر جمال میرصادقی، مسخ کافکا ترجمه صادق هدایت، سهراب و نوشدارو اثر شاهرخ مسکوب، خدا بد نده اثر عزیز نسین ترجمه رضا همراه، از این اوستا اثر مهدی اخوان ثالث، ظهیرالدوله اثر ابراهیم صفایی و یک سال در میان ایرانیان نوشته ادوارد براون با ترجمه ذبیح الله منصوری است.

ترجمه متون ادبی فارسی به گویش لارستانی برای اولین بار صورت پذیرفته و آغاز خوبی برای پدید آمدن آثاری از این دست است. ترجمه متن، بسیار روان و یکدست است و نشان از دقت نظر و وسعت اطلاع نویسنده دارد.

«واژه‌نامه» آخرین بخش کتاب است که براساس حروف الفبا و با استفاده از لغات به کار رفته در متن ترتیب داده شده که پایانی مناسب برای کتابی جامع و فراگیر در «گویش خنجی» است، نوشته‌ای که می‌تواند الگوی مناسبی برای محققان و پژوهشگران معاصر باشد.

در یک جمع‌بندی کلی درباره این اثر می‌توان گفت: کتاب دستور زبان لارستانی را باید کامل‌ترین و جامع‌ترین تحقیق زبان‌شناسی در مورد این گویش دانست، فراگیر بودن آن به ویژه در «مبحث فعل» همراه با مثال‌های مناسب و بجا و ذکر همه موارد استثنایی در هر بخش بسیار چشمگیر است. اگر دورماندگی کامل نویسنده از وطن و سرزمین اجدادی‌اش را در نظر داشته باشیم می‌توان به عظمت و بزرگی کار ایشان بیش از پیش پی برد. این اثر می‌تواند به عنوان الگوی مناسبی برای تدوین جامع گویش‌های لارستانی به کار گرفته شود. براساس این طرح دستور زبان گویش خنجی اثر «لطفعلی خنجی» به عنوان کتاب اول «دفتر جامع گویش‌های لارستانی» شناخته شده و دیگر نویسندگان

براساس طرح کلی این اثر و با تکیه بر بخش‌بندی‌های مناسب آن می‌تواند به دستور زبان گویش گراشی، اوزی، بستکی، لاری، فیشوری، فرامرزانی، بیخه‌ای بپردازند، انجام این تحقیق می‌تواند زمینه لازم برای تدوین جامع گویش لارستانی را فراهم آورد.

در پایان پیشنهادهایی چند برای استفاده هرچه بهتر خوانندگان از این کتاب استثنایی ارائه می‌شود که امید است در چاپ‌های بعدی مدنظر قرار گیرد.

۱- واژه‌های قید شده در کتاب علاوه بر «آوانگاری لاتین» با رسم‌الخط و به زبان محلی نوشته شود تا خوانندگانی که تسلط کافی بر قرائت علائم لاتینی ندارند امکان استفاده کامل از این کتاب را پیدا کنند.

۲- با توجه به عرف معمول در آوانگاری مناسب‌تر آن است که علائم آواهای «آ» (A) و «چ» (C) به شکل (ā) و (č) تغییر یابد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Mann, oskar, Die Tajik Mundarten der provinz Fars, Lari, Berlin, 1909.

2. Romaskevic, A.A. Lari ego dialekt, in Iranskie Jazyki, Moskva, 1945.

۳. وثوقی، محمداقبر، دوبیتی‌های لاری از «مهجور» شاعر لارستانی، مجله شعر، شماره ۲۱، سال چهارم، ۱۳۷۶، صص ۵۴-۵۸.

۴. اقتداری، احمد، فرهنگ لارستانی، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۳۴.

۵. اقتداری، احمد، لهجه فیشوری، مجله فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۲.

۶. اقتداری، احمد، ترانه اسمش نادم، نامه مینوی، تهران، ۱۳۵۰.

7. Kamioka - Yamada, Larestani studies, 1: Lari basic vocabulary, Tokyo, 1979.

8. A.K. Molchanova, Larkij jazyk, in osnovy III, 1982, pp.364-446.

۹. بستکی، حاج علی اکبر، فرهنگ بستکی، ناشر مؤلف، بی‌نا، ۱۳۵۹.

۱۰. بستک، شهری در مسیر باستانی لاز به طرف بندر لنگه و

هم‌اکنون بخشی از استان هرمزگان است که در آینده نزدیک به شهرستانی مستقل تبدیل خواهد شد.

۱۱. فرامرزی، حسن، فرهنگ فرامرزان، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۳.

۱۲. بستکی، حاج علی اکبر، «ابیات محلی جهانگیریه»، انتشارات هفته، ۱۳۶۲.

۱۳. جهانگیریه، عنوان عمومی و تاریخی منطقه بستک کنونی است.

14. Kamioka, K., Comparative basic vocabulary of khonji and Lari, Tokyo, Japan, 1986.

۱۵. صادقی، علی انژ. لغات لاری و گرمسیری از قرن نهم، زبان‌شناسی، ش ۲۰، ۱۳۶۴، صص ۴۲-۳۳.

۱۶. کلیسی، ایران، دستگاه فعل در گویش لاری، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۱، شماره اول، صص ۱۷۰-۱۴۵.

۱۷. کلیسی، ایران، ساخت واژه در گویش لاری، مجله فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹، شماره ۶، صص ۱۹۸-۱۸۶.

۱۸. وثوقی، محمداقبر، لار شهری به رنگ خاک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۰.

۱۹. سمیعی، رحمت‌الله، گویش لاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۰.

۲۰. کامیاب، محمد، واژه‌نامه تطبیقی لاری - پهلوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۱.

۲۱. خنجی، لطفعلی، دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی، دانشنامه فارس، شیراز، ۱۳۷۸.

۲۲. خنجی، پیشین، ص ۱۵.

۲۳. همان‌جا، صص ۲۶-۲۴.

۲۴. همان‌جا، صص ۳۵-۳۳.

25. Komioka, Lari Khonji, op.cit, pp.26-27.

۲۶. خنجی، پیشین، ص ۱۰۳.

۲۷. همان‌جا، ص ۱۱۳.

۲۸. خنجی، پیشین، ص ۱۵۲.

۲۹. همان‌جا، ص ۱۶۱.

۳۰. همان‌جا، ص ۱۶۴.

۳۱. خنجی، پیشین، ص ۲۰۱.

۳۲. همان‌جا، ص ۲۱۳.

۳۳. همان‌جا، صص ۲۴۵-۲۱۳.

۳۴. همان‌جا، ص ۲۵۷.

لار شهری به رنگ خاک

محمداقبر وثوقی



به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن بر زبان آفرین

فرهنگ دَری

و

جغرافیای

لارستان، بنادر، جزایر

و اعلام

دفتر اولی

از دآء تا دجء

نگارش و تألیف: عباس انجم روز

سال ۱۳۷۵ خورشیدی